

باسمه تعالی

عنوان کرسی: امکان سنجی تمسک به قاعده لا ضرر در اثبات ضمان خلق پول

ارائه دهنده: حجت الاسلام علی فاضلی (مدرس جامعه المصطفی العالمیه)

ناقد اول: حجت الاسلام محمدصادق اخوان (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)

ناقد دوم: حجت الاسلام دکتر سید حمید جوشقانی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)

مدیر کرسی: حجت الاسلام محمد شیبانی (مدرس جامعه المصطفی العالمیه)

مکان: دانشگاه مجازی المصطفی

زمان: چهارشنبه (۹ خرداد ۱۴۰۳)، ساعت ۱۰

در این کرسی که با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز گردید، در ابتدا مدیر کرسی با ارائه ضوابط و نحوه مدیریت کرسی به تبیین مسئله پرداختند و سپس از حجت الاسلام فاضلی به عنوان ارائه دهنده کرسی درخواست نمودند که مطالب خود را ارائه نمایند.

در ادامه، ارائه دهنده حجت الاسلام فاضلی به بررسی رویکرد مدنظر خویش نسبت به موضوع کرسی پرداختند و موضوع را به شرح زیر بررسی نمودند:

موضوعات نوپدید همواره یکی از چالش های مهم در تلاشهای فقهی فقیهان برای کشف و استنباط احکام شرعی مرتبط با آن بوده است. در تفکر فقهی شیعه استنباط این احکام بر اساس همان روشهای پذیرفته شدهای، صورت میگیرد که در سایر موضوعات و مسائل فقهی انجام میشود یکی از روشهای رایج در استنباط احکام شرعی تمسک به عمومات و اطلاقاتی نظیر اوف بالعقود در معاملات و یا قواعد عمومی استخراج شده از ادله مانند قاعده ید است که در صورت انطباق آن بر مصادیق مورد نظر و نبود مخصص و مقید، حکم شرعی آن استخراج میگردد. از جمله قواعدی که در راستای استنباط احکام مورد استناد قرار میگیرد، قاعده لا ضرر است که از مجموعهای از روایات مشتمل بر این تعبیر برداشت شده است.

از سویی دیگر یکی از موضوعات نوپدید دنیای معاصر، پدیده خلق پول در نظامهای بانکی و پولی رایج دنیا است. موضوعی که حکم فقهی آن از زوایای مختلفی مانند حلیت یا حرمت تکلیفی، حرمت وضعی به معنای عدم نفوذ تصرفات تملیکی، تعیین مسئولیت حقوقی این اقدام برای شخص حقوقی و متولیان آن و .. قابل بررسی است. با توجه به تأثیر خلق پول در غالب موارد بر

کاهش ارزش داراییهای پولی افراد جامعه و تضرر آنها، یکی از زوایای قابل بحث در این موضوع، بررسی حکم وضعی آن از جهت ضمان آور بودن سیاست ها و تصمیمات اخذ شده توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی مربوطه می باشد.

اهمیت موضوع مسئله با توجه به شدت ابتلای آن در دوران معاصر و پیامدهای منفی که خلق پول بی پشتوانه، به لحاظ اقتصادی و اجتماعی روی معیشت و زندگی مردم دارد، روشن است؛ چرا که این پدیده در شرایطی منجر به افزایش بی ثباتی در اقتصاد، تورم، افزایش بیعدالتی و فاصله طبقاتی و تداول ثروت میان ثروتمندان و اغنیا میگردد. فارغ از حکم تکلیفی خلق پول، بررسی حکم وضعی این اقدام و ضمان آور بودن یا نبودن آن اهمیت قابل توجهی در بررسی های فقهی دارد.

از این رو نوشته حاضر، به بررسی امکان تمسک به قاعده لاضرر برای اثبات ضمان در اثر خلق پول میپردازد. در میان مقالات و آثار موجود، با توجه به دو خصوصیت خلق پول و تطبیق قاعده لاضرر برای اثبات ضمان در آن، این موضوع به صورت مستقل و به طور خاص در آثار محققین و اندیشمندان مورد بررسی قرار نگرفته است اگرچه در برخی مقالات مانند مقاله ابعاد اقتصادی - فقهی پدیده خلق پول از منظر بانکداری اسلامی به تطبیق لاضرر بر مسئله خلق پول اشاره شده است اما زوایای تطبیق قاعده و چالش ها و راه‌های مرتبط با آن ارائه نشده است.

برخی تعاریف

امکان: واژه امکان از نظر لغوی بر اساس آنچه در مقدمه‌الادب آمده از ماده مکن و به معنای سهل و آسان شدن کار و مقدور شدن آن است.

ضمان: واژه ضمان در لغت از واژه ضمن و به معنای کفالت آمده است و برخی آن را به معنای التزام نیز دانسته اند. اما به حسب اصطلاح فقهی دو معنای برای آن وجود دارد، یکی به معنای ثبوت تعهد نسبت به مال است به این صورت که در فرض وجود مال باید خود آن را تحویل داده و در صورت تلف، باید مثل یا قیمت آن را برگرداند و معنای دیگر آن عقدی است که برای تعهد به مال یا نفس تشریح شده است. مراد از ضمان در موضوع بحث، معنای اول آن است یعنی آیا میتوان براساس قاعده لاضرر ثبوت تعهد نسبت به نقصان مالیت را در ذمه و عهده ثابت کرد یا خیر؟

پول: پول به چیزی گفته میشود که در جامعه به عنوان واسطه مبادله و وسیله پرداخت قیمت کالاها و خدمات پذیرفته شده باشد و نوعی دارایی است که در اقتصاد سه کارکرد عمده: واسطه مبادله و واحد شمارش و ذخیره ارزش را دارا باشد.

خلق پول: ایجاد و عرضه پول در زمانی که در قالب فلزات گرانبها مانند طلا و نقره ضرب میشد به معنای ضرب بیشتر سکه های طلا و نقره بود و با توجه به کمابسی نسبی ماده اصلی آن، تولید و انتشار بیشتر آن همیشه با محدودیت مواجه بوده است. خلق پول در اصطلاح، روندی در علم اقتصاد است که طی آن نقدینگی یک کشور یا منطقه ی پولی (مانند منطقه یورو) افزایش مییابد.

خلق پول بانک مرکزی: بانک مرکزی بر اساس ترازنامه خود اقدام به انتشار پول میکند؛ یعنی با توجه به ستون درآمدها اقدام به انتشار سکه و اسکناس یا ایجاد سپرده برای بانکها مینماید.

خلق پول سایر بانک ها: بانکها با استفاده از قابلیت ضریب فزاینده، با توجه به معیارهایی اقدام به وام دهی میکنند که در اثر این وام دهی پول جدیدی در مجموع نقدینگی ایجاد میشود.

تورم: تورم پدیده‌های اقتصادی است که نشانه آن افزایش عمومی سطح قیمتها است تورم به این معنا است که افراد جامعه بدون اینکه تغییر مهمی در کیفیت کالاها و خدمات ایجاد شود ناچار به پرداخت پول بیشتری باشند. در واقع تورم با کاهش قدرت خرید همراه است و این به معنای آن است که ارزش پول آنها کاسته شده است.

قاعده لاضرر: یکی از قواعد مهم فقهی پر کاربرد در استنباط حکم شرعی، قاعده فقهی «لاضرر» است که از روایت نبوی معروف با تعبیر لا ضرر و لا ضرار برداشت شده است.

چالش های استدلال به قاعده لاضرر برای اثبات ضمان در خلق پول

چالش اول: اثبات وضع حکم بوسیله قاعده لاضرر

با توجه به اینکه در این مسئله به دنبال بررسی امکان اثبات ضمان به عنوان یک حکم شرعی از قاعده لاضرر هستیم پرسش اولی که باید به آن پاسخ داد این است که آیا قاعده لاضرر میتواند حکمی از احکام شریعت را ثابت کند یا اینکه فقط احکامی که منشأ ضرر باشند را نفی میکند؟ اگر در مقام بررسی مفاد قاعده لاضرر نظر برخی از بزرگان را بپذیریم که لاضرر حکمی را که منشأ ضرر است و میتواند مستند به شارع شود را نفی میکند. در این صورت لاضرر مختص جعل هایی که منشأ ضرر میشوند، نخواهد بود بلکه اگر عدم جعل نیز منشأ ضرر شود رفع شده است، چرا که ضرر ناشی از عدم جعل نیز مستند به شارع است. همچنین اگر مبنای شهید صدر ره پذیرفته شود که لاضرر به معنای نفی واقعی ضرر به واسطه موقف شرعی شارع است در این صورت واضح است که اگر از عدم وضع حکمی مانند حرمت، ضرری متوجه مکلفین شود، شارع آن را رفع کرده یعنی حرمت را وضع کرده است.

چالش دوم: تطبیق عنوان ضرر بر نقصان مالیت

برای انطباق قاعده لاضرر بر محل بحث ابتدا باید دید آیا عنوان ضرر شامل نقصان مالیت میشود یا خیر؟ روشن است که ضرر شامل نقص عینی به اموال غیر میشود اما اگر کسی کاری کند که بدون اینکه در عین مال دیگری تغییری ایجاد شود، مالیت آن کاهش پیدا کند، آیا ضرر محقق شده است؟

چالش سوم: انطباق لاضرر بر نقص های اعتباری

با توجه به اینکه پول در شکل امروزی آن تمام ارزش خود را از اعتبار دولت یا قانون به دست می آورد، این شبهه مطرح میشود که آیا میتوان لا ضرر را شامل نقصی که ناشی از این اعتبارات عقلانی مستحدث است، دانست؟ روشن است که مصادیقی از ضررهای ناشی از اعتبارهای عقلانی که در زمان شارع وجود داشته مشمول این قاعده خواهد بود اما نسبت به پول بی پشتوانه که اعتبار خود را از قانون و قدرت سیاسی اقتصادی دولت میگیرد ممکن است گفته شود که اساساً شارع اینکه نقص در چنین اعتباری مصداق ضرر باشد را نپذیرفته است و باید به نوعی امضای شارع در این خصوص احراز گردد.

چالش چهارم: شمول خطابات شرعی برای اشخاص حقوقی.

با توجه به اینکه خلق پول در شیوه رایج آن، توسط نهادهای دولتی یا بانکهایی صورت میگیرد که اشخاص حقوقی و اعتباری به شمار می آیند، این شبهه به وجود میآید که چگونه میتوان اشخاص حقوقی را مشمول خطاب های شارع دانست؛ چراکه مضمون خطابات شارع بیان حکم تکلیفی و یا وضعی است و با توجه به عدم امکان انبعاث در شخص حقوقی به خاطر نداشتن درک، احساس و اراده، ثبوت حکم تکلیفی برای آنها بی معنا است و وقتی حکم تکلیفی قابل فرض نباشد، حکم وضعی که یا موضوع برای حکم تکلیفی قرار میگیرد و یا منتزع از حکم تکلیفی است قابل تصویر نخواهد بود.

بر فرض از نظر ثبوتی حقیقت حکم تکلیفی اعتبار فعل یا محرومیت بر ذمه و ابراز آن باشد و یا جعل تکالیف را به نحو خطابات قانونی بدانیم که شامل عاجزین از امتثال نیز باشد اما در مقام اثبات اینکه اطلاق این خطابات شامل شخص اعتباری شود مشکل است زیرا امکان تقیید خطاب نسبت به این اشخاص ممکن نبوده تا در مقابل اطلاق اثباتی برای آن شکل بگیرد. بنابراین نسبت به محل بحث گفته میشود مضمون خطاب لاضرر چه بیان حکم تکلیفی باشد و چه بیانگر موقف شارع نسبت به ضررهای تکوینی باشد اطلاق آن نمیتواند احکامی را برای اشخاص حقوقی ثابت نماید.

چالش پنجم: مستند نبودن نقصان مالیت به خلق پول

مسئله دیگری که در تمسک به قاعده لاضرر باید به آن توجه داشت این است که گفته میشود ضرری که در مسئله خلق پول مترتب میشود، صرفاً از ناحیه انتشار و توزیع و تزریق پول پر قدرت در جامعه شکل نمیگیرد بلکه ضرر در اثر استفاده از این پول برای امور غیر مولد شکل گرفته است و اگر بخواهد لاضرر بر اساس این بیان تطبیق شود باید گفت اشخاصی که پول خلق شده را در قالب تسهیلات یا سایر اشکال از بانک دریافت کرده و آن را در غیر اموری که دولت یا بانک مرکزی سیاست گذاری کرده، صرف نموده اند سبب تحقق ضرر شده اند بنابراین ضمان متوجه ایشان خواهد بود.

چالش ششم: اثبات ضمان بر اساس قاعده لاضرر

برای اثبات ضمان خلق پول بوسیله قاعده لاضرر گفته میشود عدم ضمان کاهش ارزش پول حاصل از تورم در نظر عرف و عقلا ضرر بر مردم است و با تمسک به ادله لاضرر گفته میشود که شارع موقفی که منشأ ضرر شود را اتخاذ نمیکند لذا ثابت میشود که شارع مقدس ضمان را در این موارد جعل کرده است.

جمع بندی

حاصل آنچه از مطالب مطرح شده به دست می آید، را میتوان در قالب نکات ذیل خلاصه کرد:

- ۱- خلق پول در مواردی که بدون پشتوانه و بدون سیاست گذاری صحیح و مدیریت و نظارت بر عملکرد بانکها صورت گیرد منجر به تورم و کاهش ارزش دارایی های مردم میشود.
- ۲- کاهش ارزش پول نقصان مالیت، بدون نقص در عین و منافع ذاتی آن است و با این وجود میتوان ادعا کرد از نظر عرفی مصداقی از ضرر است که در لاضرر نفی شده است چراکه آنچه در لاضرر نفی شده همین ضررهای عرفی است. بر همین اساس با وجود اینکه مالیت پول ناشی از اعتبار است اما برای صدق ضرر مهم نیست که منشأ نقصان تکوینی یا اعتباری باشد بلکه معیار صدق عرفی آن است.

۳- مفاد قاعده لاضرر نفی موقفی از شارع است که منجر به تحقق ضرر در خارج شود؛ از این رو میتوان بر اساس آن نفی یا اثبات احکام تکلیفی و وضعی را استفاده نمود.

۴- با وجود اینکه خلق پول در شیوه رایج آن توسط اشخاص حقوقی صورت میگیرد ولی میتوان خطابات شارع از جمله لاضرر را شامل شخص حقوقی نیز دانست و برخی احکام تکلیفی یا وضعی از جمله ضمان را برای آن ثابت نمود.

۵- نقصان مالیت ناشی از خلق پول در فرضی موجب ضمان میشود که این نقصان منتسب و مستند به فعل شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی باشد در غیر این صورت نمیتوان حکم به ضمان نمود.

۶- اثبات ضمان خلق پول به وسیله لاضرر متوقف بر این است که علی رغم جعل حرمت تکلیفی برای خلق پول در فرض مورد نظر و جعل وجوب تکلیفی تدارک ضرر ناشی از کاهش ارزش، از عدم جعل ضمان به عنوان حکم وضعی بر ذمه نهاد یا شخص خالق پول، صدق کند که موقف شارع موجب ضرر شده است؛ در حالیکه با وجود دو موقف تکلیفی مزبور، اثبات ضرر مستند به موقف شارع و به تبع آن اثبات حکم الزامی مشکل است. بنابراین به نظر میرسد مهمترین چالش در مسئله امکان تمسک به قاعده لاضرر در خلق پول، قصور این قاعده برای اثبات ضمان در فرض مذکور است.

پس از ارائه تفصیلی حجت الاسلام فاضلی، ناقد اول حجت الاسلام محمدصادق اخوان در مقام طرح برخی اشکالات به بیان مطالب زیر پرداخت:

- خلق پول موضوعیتی ندارد، لذا پیشنهاد میکنم عنوان کاهش عمدی ارزش پول ملی بهتر است.
- کاهش ارزش پول در بسیاری از موارد عاملی غیر از خلق پول دارد.
- ایشان منکر وجود ضمان نیست، منظورشان این است که ضمان را با قاعده لاضرر میتوان اثبات کرد یا نه؟
- یکی از بهترین مقالات که در رابطه با احکام فقهی کاهش ارزش پول نوشته شده مقاله جناب آقای سید محمود هاشمی شاهرودی است که میتوان از آن استفاده نمود.
- پیشنهاد میکنم برای تکمیل این مقالات به مقالات دیگر در پرتال بانک مرکزی مراجعه شود.
- مبنای شما در این مقاله مبنای کدامیک از فقهاست؟
- تقسیمات در مورد احکام وضعی و تکلیفی که اشاره کردید، آیا حکم وضعی هم با این قاعده وضع می شود یا نه؟ که جا داشت بیشتر بیان شود.
- رابطه قاعده لاضرر با سایر ادله احکام باید تبیین می شد.
- کارآمدی قاعده لاضرر در احکام جدید چگونه خواهد بود؟
- در تعارض ضرر، مثل ضرر فردی یا ضرر اجتماعی نسبت چگونه است؟

• مقاله بسیار زیبا است اما جای کار بیشتری دارد.

در ادامه جلسه، نوبت به ارائه مطالب و نقد ناقد دوم رسید که حجت الاسلام دکتر سید حمید جوشقانی به موارد زیر پرداختند:

- شیوه ورود به بحث و نوع نگارش جزو امتیازات مقاله است.
- عنوان مقاله در مورد خلق پول به عنوان اینکه فعل شخص حقوقی باشد قابل بحث است ولی ثمره علمی ندارد.
- بسیاری از مطالب شما نیاز به ذکر منبع دارد.
- ابهام و اضطراب در نوشته شما زیاد است.
- خلق پول به عواملی بستگی دارد، این عوامل بایستی مستند شود.
- در تعارف واژگان، کلمه امکان را تعریف کرده اید، این کلمه نیازی به تعریف ندارد و جزو واژگان کلیدی نیست.
- در تعریف خلق پول اصطلاحاتی را به کار برده اید که واضح نیست، انتشار پول با خلق پول تفاوت دارد.
- خلق پول توسط بانک مرکزی درست نیست، انتشار پول توسط بانک مرکزی صحیح است.
- تورم یعنی افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و برخی افزایش بی رویه گفته اند. بنابراین افزایش نشانه نیست بلکه حقیقت تورم است.
- در توضیحات قبل از ورود به بحث چالشها نظر شهید صدر را تقویت کرده اید که حاکی از پذیرش آن است.
- انتشار پول به طور مطلق ناشی از سوء استفاده بانک مرکزی یا دولت نیست. گاهی شرایط اقتضای انتشار جدید را دارد ولی ضرر کاهش ارزش را هم دارد.
- به نظر چالش سوم با چالش دوم یکی است یا حداقل تداخل دارد. چالش دوم نقصان مالیت در اعتباریات بود و چالش سوم هم نقص در ارزش اعتباریات.
- آنچه به عنوان مفهوم یا مصداق ضرر بیان کرده اید نیاز به ذکر منبع یا استدلال دارد با صرف تعبیر به نظر می رسد مشکل حل نمی شود.
- خود اعتباریات گزافه نیست بلکه ریشه در واقعیات دارد، بعضی از اعتباریات آثارش از واقعیات بیشتر است.
- چالش ششم در حقیقت اصل مساله است: اثبات ضمان براساس قاعده لاضرر.
- منابع اقتصادی کم استفاده شده است.

در انتهای جلسه نیز ضمن طرح پرسش‌های حضار و سایر مطالب طرح شده توسط ناقدین، ارائه دهنده به انتقادات و سؤالات پاسخ داده و با جمع بندی مدیر کرسی، جلسه با ذکر صلوات بر محمد و آل طاهرینش به پایان رسید.